

تأثیر تشیع در الگوی همسرگزینی ایرانیان

حسین بستان*

چکیده

همسرگزینی در جامعه ایران از جنبه‌های متعدد، تحت تأثیر آموزه‌های مذهب شیعه قرار دارد که نگارنده درصدد بیان میزان و موارد این تأثیرگذاری بر الگوی ازدواج در جامعه ایران می‌باشد. قداست و ارزش معنوی ازدواج، نقش والدین در انتخاب همسر برای فرزندان، قاعده محرمیت، قاعده درون‌همسری دینی و مذهبی، الگوی چندهمسری، رسم مهریه و آداب مربوط به زمان اجرای مراسم عقد و عروسی و الگوی ازدواج موقت از مواردی هستند که تأثیر آموزه‌های اسلامی و شیعی بر آن‌ها آشکارتر است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مقدمه

نقش خطیر و بی‌بدیل نهاد خانواده در تولید و پرورش انسان‌ها آن را کانون توجه بیشتر مکاتب فکری و فلسفی الهی و مادی گردانیده است. در این میان، دین اسلام و به طور خاص، مذهب تشیع به دلیل آنکه سعادت حقیقی و اخروی انسان‌ها را هدف غایی خود قرار داده و با توجه به ارتباط تنگاتنگی که بین دنیا و آخرت قایل است، دیدگاه‌ها، خط‌مشی‌ها و رهنمودهای فراوانی در مورد خانواده ارائه داده؛ چراکه اولیای دین نسبت به نقش سرنوشت‌ساز این نهاد اجتماعی در تأمین سعادت فرد و جامعه و دنیا و آخرت وقوف کامل داشته‌اند.

*. عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

در این مقاله، از جایگاه ازدواج، سن ازدواج، آزادی انتخاب، همسان همسری، محرمیت، درون همسری دینی و مذهبی، تک همسری، مهریه، مراسم عقد و عروسی و ازدواج موقت سخن به میان آمده است.

۱. جایگاه ازدواج

نهاد ازدواج در اصل، از نیازهای طبیعی مرد و زن به یکدیگر سرچشمه می‌گیرد و تداوم آن نیز تا حد زیادی در گرو استمرار همین نیازهاست. ولی عوامل و موانع اجتماعی - فرهنگی نیز همواره نقش قابل توجهی در استحکام و تداوم رابطه زناشویی یا سستی و گسست آن ایفا کرده‌اند. یکی از این عوامل فرهنگی تأثیرگذار، که بیشتر از سوی ادیان الهی مورد تأکید قرار گرفته، تقدس یافتن پیوند زناشویی است. واضح است که تقدس داشتن یک پدیده، به ویژه هنگامی که به صورت یک نگرش عمومی درآید، تأثیر عمده‌ای بر تحکیم موقعیت آن و متقابلاً تضعیف اراده‌ها و کنش‌های ناهمسو به جا می‌گذارد. به باور صاحب‌نظران، یکی از عوامل مهم سقوط جایگاه خانواده در جوامع غربی و گسترش طلاق و دیگر آسیب‌های اجتماعی مربوط به آن، فرایند عمومی دنیوی شدن یا غیردینی‌سازی^(۱) بوده که افزون بر سایر حوزه‌های حیات اجتماعی، نهاد خانواده را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده؛ زیرا باعث شده است ازدواج، که پیش‌تر اقدامی مقدس و دینی تلقی می‌شد، قداست خود را از دست بدهد و به یک قرارداد مدنی صرف مبدل گردد.

اسلام، آن‌گونه که از آیات و روایات متعدد استفاده می‌شود، کوشیده است نگرش عمومی مسلمانان را به این سمت هدایت کند که ازدواج را عملی مقدس و موجب جلب رضایت خداوند تلقی کنند. بر حسب روایتی معروف، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: «نزد خداوند هیچ چیز محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که به واسطه ازدواج آباد می‌شود، و نزد خداوند هیچ چیز مبغوض‌تر از خانه‌ای نیست که به واسطه طلاق از هم می‌پاشد.»^(۲) همچنین در خطبه عقد ازدواج، که از سنت‌های مذهبی ازدواج در بین ایرانیان است و

معمولاً توسط روحانیان قرائت می‌گردد، به حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبرک جسته می‌شود که بر حسب آن ایشان فرمودند: «ازدواج سنت من است. پس هر کس از سنت من روی گرداند، از من نیست.»^(۳)

از این‌رو، ازدواج در ایران به رغم برخی دشواری‌ها، همچنان از جایگاه والایی برخوردار است و بر خلاف تعدادی از جوامع غربی، که در آن‌ها تشکیل خانواده و نیز انحلال خانواده به تدریج به صورت عملی عادی و نه چندان مهم درآمده، از نظر جوان ایرانی، انتخاب همسر و تشکیل خانواده یک مرحله مهم و سرنوشت‌ساز در زندگی اوست و برعکس، طلاق و از هم پاشیدن کانون گرم خانواده، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر تلقی می‌شود.

۲. سن ازدواج

از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج، خاستگاه طبیعی این نهاد اجتماعی است و همین امر مشابهت جوامع گوناگون را از نظر تأکید بر بلوغ طبیعی دختر و پسر به عنوان شرط اصلی ازدواج توجیه می‌کند. از سوی دیگر، نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز در سن ازدواج انکارناپذیر است و به همین دلیل، شاهد تفاوت سن ازدواج در جوامع گوناگون و نیز در زمان‌های متفاوت در جامعه‌ای واحد هستیم. بدون شک، آموزه‌های دینی نیز، که از عناصر مهم فرهنگی‌اند، در بیشتر جوامع نقش عمده‌ای در این خصوص ایفا کرده‌اند.

الگوی سنتی ازدواج در ایران در چند دهه گذشته، برآیند تأثیر متقابل عوامل مزبور بوده است؛ از یک سو، تحولات اجتماعی-اقتصادی در جهت افزایش سن ازدواج عمل کرده‌اند، به طوری که در سال ۱۳۷۵ میانگین سن در اولین ازدواج در شهرها به بیش از ۲۶ سال برای مردان و ۲۲/۵ سال برای زنان رسیده است، در حالی که این رقم در سال ۱۳۴۵ بیش از ۲۵ سال برای مردان و ۱۹ سال برای زنان بوده است.

از سوی دیگر، جهت‌گیری دین به سمت کاهش سن ازدواج و کم کردن فاصله آن با

سنّ بلوغ طبیعی است. در روایتی که از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده، دوشیزگان به میوه‌های روی درخت تشبیه شده‌اند، از این حیث که تأخیر در چیدن میوه‌ها باعث می‌شود گرمای آفتاب آن‌ها را فاسد نموده؛ بادهای آن‌ها را پراکنده سازند. به همین سان، دوشیزگانی که به بلوغ می‌رسند، چنانچه ازدواجشان به تأخیر افتد، در معرض فساد و انحراف قرار می‌گیرند.^(۴) همچنین در روایتی آمده است: از جمله حقوق فرزند بر پدر آن است که وقتی به بلوغ رسید، پدرش امر ازدواج او را مهیا گرداند.^(۵)

روشن است که دین برای ازدواج در سنین پایین‌تر جنبه الزامی قابل نشده، بلکه آن را به عنوان اولویت مطرح کرده است. بدین لحاظ، جای تعجب نیست که جامعه مسلمان و غالباً شیعی مذهب ایران تحت تأثیر ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی با افزایش سنّ ازدواج کنار آمده و آن را پذیرفته است.

در مورد ازدواج کودکان نابالغ نیز وضع به همین قرار است؛ یعنی اسلام به دلیل برخی کارکردهای مثبت این نوع ازدواج، مانند انتقال ارث یا همبستگی میان قبایل و عشایر، اصل مشروعیت آن را امضا نموده، ولی نه تنها آن را الزامی ندانسته، بلکه حتی تشویقی هم نسبت به آن ابراز نکرده است. از این رو، با وجود رواج نسبی این نوع ازدواج در دوره‌های گذشته، در دوران معاصر از میزان آن به شدت کاسته شده است، به طوری که می‌توان گفت: عرف امروزی آن را به عنوان ازدواجی حقیقی بر نمی‌تابد و تنها در برخی شرایط خاص، مانند زمانی که برای حل مشکلات محرمیت در یک خانواده به ازدواجی صوری نیاز است، به عقد ازدواج با کودکان متوسّل می‌شوند.

تغییرات الگوی سنّ ازدواج در ایران طی دهه‌های گذشته به نحوی در قوانین مدنی کشور نیز بازتاب یافته‌اند. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوّب سال ۱۳۱۳ ازدواج دختران پیش از رسیدن به سنّ پانزده سال تمام و ازدواج پسران قبل از رسیدن به سنّ هجده سال تمام را بجز در موارد اقتضای مصلحت ممنوع اعلام کرده بود. در ماده ۲۳ قانون جدید حمایت خانواده، مصوّب سال ۱۳۵۳ سنّ قانونی ازدواج دختران به هجده سال تمام و پسران به بیست سال تمام افزایش یافت. اما در اصلاح سال ۱۳۶۱، ماده ۱۰۴۱ قانون

مدنی به گونه‌ای تغییر یافت که با احکام شرع اسلام انطباق یابد. طبق قانون اخیر، «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است» و در تبصره آن نیز چنین مقرر شده است که «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است، به شرط رعایت مصلحت مولی علیه».

بدیهی است پایین آوردن سن قانونی ازدواج به خودی خود موجب کاهش سن واقعی ازدواج نمی‌شود، ولی این نیز موجب به نظر نمی‌رسد که قانونگذار به بهانه بالا بودن سن واقعی ازدواج، در جهت سازگار نمودن قانون با اوضاع واقعی، سن قانونی ازدواج را افزایش دهد و به این صورت، مانعی بر موانع ازدواج جوانان بیفزاید.

۳. آزادی انتخاب

جوامع به طور کلی، به دو دسته جمع‌گرا و فردگرا تقسیم می‌شوند. در جوامع جمع‌گرا، به دلیل جایگاه ویژه‌ای که شبکه خویشاوندی از آن برخوردار است، معمولاً از نقش جوانان در انتخاب همسر کاسته می‌شود و برعکس، نقش والدین و دیگر بزرگ‌ترهای خانواده گسترده اهمیت بیشتری می‌یابد. اما در جوامع فردگرا، به دلیل آنکه فرد محوریت می‌یابد و خواسته‌ها، منافع و حقوق فردی کانون توجه قرار می‌گیرند، نقش والدین و دیگر اعضای خانواده گسترده در انتخاب همسر برای جوانان کم‌رنگ می‌شود و موافقت آنان شرط ازدواج پسر یا دختر جوان تلقی نمی‌گردد.

به نظر می‌رسد الگوی شیعی همسرگزینی از حیث نظری، تلفیقی از اصول فردگرایی و جمع‌گرایی را به نمایش می‌گذارد. بر حسب روایت، شخصی به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد: «قصد دارم با زنی ازدواج کنم، اما پدر و مادرم مایلند زن دیگری را به همسری من درآورند.» حضرت به او فرمودند: «با زنی که خودت دوست داری ازدواج کن و آن را که پدر و مادرت به او تمایل دارند، رها کن.»^(۶) همچنین در مورد لزوم کسب موافقت دختر در ازدواج، روایاتی وارد شده‌اند.^(۷)

از سوی دیگر، تأکید فراوان بر جایگاه والدین و حقوق آنان نسبت به فرزند، زمینه غلبه فردگرایی افراطی و تبدیل شدن ازدواج به تصمیمی کاملاً شخصی را از میان می‌برد.

این امر به ویژه در مورد دختران نمود بیشتری دارد؛ چرا که محدودیت نسبی دختران از روابط اجتماعی باز در الگوی اسلامی، گزینش همسر را برای آنان نسبت به پسران، مخاطره‌آمیزتر می‌سازد و از این‌رو، اسلام به منظور کاهش این مخاطرات، نقش فعال‌تری برای پدر و جدّ پدری در ازدواج دختران باکره در نظر گرفته است.^(۸)

شایان ذکر است فقهای شیعه به پیروی از احادیث اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) موافقت پدر یا جدّ پدری را در ازدواج مجّد زن و ازدواج دختری که پدر و جدّ پدری او از دنیا رفته یا در دسترس نیستند یا مصلحت دختر را رعایت نمی‌کنند، معتبر ندانسته‌اند. اما فقهای اهل سنت موافقت ولیّ دختر را، حتی در ازدواج‌های مجّد، معتبر می‌دانند و در مفهوم «ولی» نیز توسعه قایل می‌شوند، به گونه‌ای که بستگان نزدیک مانند برادر، پسر و عمو را نیز شامل می‌شود.^(۹)

ماده ۱۰۴۳ اصلاحی قانون مدنی به تبعیت از فقه شیعه، چنین مقرر می‌دارد: «نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده، اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جدّ پدری اوست و هرگاه پدر یا جدّ پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آن‌ها قرار داده شده، به دادگاه مدنی خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر یا جدّ پدری اطلاع داده شود و بعد از ۱۵ روز از تاریخ اطلاع و عدم پاسخ موجه از طرف ولی، دادگاه مزبور می‌تواند اجازه نکاح را صادر نماید.»

به نظر می‌رسد همگام با تحولات اجتماعی و انتقال از ساختارهای سنتی به ساختارهای جدید، الگوی واقعی همسرگزینی در میان شیعیان ایران نیز به سوی تأیید هر چه بیشتر آزادی جوانان در انتخاب همسر پیش رفته است. در این الگوی جدید، که بیشتر در محیط‌های شهری شاهد آن هستیم، جوانان نقش فعال‌تری در انتخاب همسر به عهده گرفته‌اند و این امر در بیشتر موارد، با حفظ نقش والدین و سایر نزدیکان همراه است. بسیاری از جوانان پسر و دختر در محیط‌های شغلی، تحصیلی و مانند آن‌ها، آشنایی‌های ابتدایی با یکدیگر کسب می‌کنند و در مرحله بعد، موضوع را به اطلاع

خانواده‌های خود می‌رسانند تا آنان پس از بررسی و ارزیابی موردی، در صورتی که مانعی در کار نباشد، مقدمات ازدواج را فراهم کنند.

البته بروز کشمکش‌هایی بین والدین و فرزندان در این مرحله دور از انتظار نیست، ولی با توجه به هنجارهای دینی و فرهنگی جوامع جمع‌گرا مانند ایران، که به موجب آن‌ها فرزندان موظف به پیروی از رهنمودهای والدین می‌باشند، مخالفت فرزند با نظر آنان می‌تواند پیامدهای روانی و اجتماعی ناخوشایندی برای وی به بار آورد. به طور خاص، مخالفت با والدین خطر محرومیت از پشتیبانی مالی آنان در امر ازدواج را در پی دارد و به همین دلیل، جوانان برای آنکه این پشتوانه مالی را از دست ندهند، معمولاً ترجیح می‌دهند تا حد امکان، خود را با نقطه نظرهای والدین سازگار نمایند. به هر تقدیر، برخی تحقیقات نشان داده‌اند که بیش از ۹۰ درصد ایرانیان با لزوم جلب رضایت پدر و مادر با ازدواج به عنوان یک هنجار موافقت و از هر صد نفر، تنها سه نفر با این امر مخالفت کرده‌اند.^(۱۰)

مرکز تحقیقات کاپیتور علوم اسلامی

۴. همسان همسری

اصل «همسان همسری» یکی از هنجارهای عمومی ازدواج در بسیاری از جوامع است. طبق این اصل، همسر مناسب شخص، کسی است که از بیشترین سطح همسانی و مشابهت با وی برخوردار باشد و به همین دلیل، هر قدر وجوه اختلاف و تمایز بین دو شخص بیشتر باشد، تمایل آنان به ازدواج با یکدیگر کاهش می‌یابد. صاحب‌نظران مسائل خانواده بر این باورند که همسانی زوجین در جنبه‌های گوناگون، به ویژه در جنبه‌های فرهنگی، تداوم و استحکام زندگی مشترک آن‌ها را تا حد زیادی تضمین می‌کند. از میان جنبه‌های گوناگون همسان همسری، می‌توان به همسانی در سن، محل سکونت، ویژگی‌های جسمانی و هوشی، تحصیلات، طبقه اجتماعی، نژاد، قومیت و دین اشاره کرد.

اسلام ضمن پذیرش و تأیید اصل «همسان همسری» و به تعبیر دینی، اصل «کفویت»،

تعریفی جدید از آن ارائه داده است. برخورد اسلام با برخی جنبه‌های همسان همسری (همسانی دینی و اخلاقی) برخورد ایجابی و با برخی دیگر از جنبه‌های آن (همسانی نژادی، قومی و طبقاتی) برخوردی سلبی بوده است، ضمن آنکه با برخی دیگر از جنبه‌ها (همسانی در سن، محل سکونت و ویژگی‌های جسمانی) موافقت یا مخالفتی صورت نگرفته است.

در مورد بخش نخست، مرد باایمان کفو زن باایمان، و مرد مسلمان کفو زن مسلمان تلقی شده است؛^(۱۱) به این معنا که «ایمان» و «اسلام» همسر نه تنها شرط لازم ازدواج، بلکه شرط کافی آن نیز می‌باشند. واضح است که مقصود صرفاً ایمان و اسلام رسمی نیست، بلکه پای‌بندی عملی شخص به لوازم ایمان است. برای مثال، زناکاری، خیانت در امانت و شراب‌خواری به عنوان شاخص‌هایی برای عدم کفویت شخص مطرح شده‌اند.^(۱۲)

در مورد بخش دوم نیز در تاریخ اسلام به نمونه‌های فراوانی از مبارزه فرهنگی اسلام برای زدودن گرایش‌های قوم‌مدارانه، نژادپرستانه و طبقاتی برمی‌خوریم که از جمله می‌توان به داستان ازدواج جویری، جوان سیاه‌پوست و تهی‌دست، با ذلفاء، دختر زیباروی یکی از اشراف برجسته مدینه، که با وساطت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این ازدواج صورت گرفت؛ ازدواج مقداد، غلام آزادشده سیاه‌پوست با ضباعه، دختر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، که به خواست خود حضرت انجام گرفت؛ و ازدواج امام سجاد علیه السلام با کنیز آزادشده خود، که نامه سرزنش‌آمیز خلیفه وقت و واکنش تند حضرت نسبت به آن نامه را در پی داشت، اشاره کرد.^(۱۳)

۵. محرمیت

تقریباً در همه فرهنگ‌ها، برقراری رابطه زناشویی میان تعدادی از خویشاوندان نزدیک ممنوع است. گستره قاعده محرمیت در جوامع گوناگون، متفاوت است، ولی در بیشتر فرهنگ‌ها، پدر و دختر، مادر و پسر، و برادر و خواهر، محرم همدیگر محسوب

می‌شوند و ازدواج آنان نامشروع تلقی می‌گردد. در بین ادیان گوناگون نیز قلمرو و حریمیت تفاوت دارد. در میان سه دین بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام، محدودترین قلمرو به یهودیت و وسیع‌ترین آن به مسیحیت تعلق دارد: یهودیت ازدواج افراد با برادران، خواهران، والدین، فرزندان، اجداد و نوادگان را منع می‌کند. در اسلام، افزون بر این موارد، ازدواج با عمو، عمه، دایی و خاله نیز حرام است. اما مسیحیت علاوه بر همه موارد یاد شده، ازدواج با فرزندان هر یک از آنها را نیز غیرمجاز می‌داند.

به طور کلی، در اسلام، مرد با سه دسته از زنان محارم نمی‌تواند ازدواج کند:

(۱) زنانی که رابطه نزدیک نسبی با وی دارند؛ مانند: مادر، مادر بزرگ، دختر و دختران او، خواهر و دختران او، دختر برادر و دختران او، عمه و خاله؛

(۲) زنانی که از طریق رضاع (شیر خوردن از سینه یک زن) نسبت‌های یاد شده را با مرد پیدا می‌کنند؛ مانند مادر رضاعی و خواهر رضاعی؛

(۳) محارم سببی مانند مادر زن که به واسطه ازدواج دخترش با داماد محرم می‌شود، یا عروس که به واسطه ازدواج با شوهر، نسبت به پدرشوهرش محرم می‌گردد. (۱۴)

ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی نیز محارم نسبی، سببی و رضاعی را دقیقاً بر اساس حکم شرعی معرفی کرده است و با توجه به جایگاه والای قاعده حریمیت و غیرقابل نقض بودن آن در جوامع گوناگون، به نظر نمی‌رسد بتوان در جامعه اسلامی ایران مواردی از زیر پا گذاشتن این قاعده را یافت.

۶. درون همسری دینی و مذهبی

اصطلاح «درون همسری»^(۱۵) در مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، به قاعده‌ای اشاره دارد که به موجب آن، قلمرو انتخاب همسر به افراد درون گروه خود محدود می‌شود و در نتیجه، ازدواج با فردی خارج از گروه تجویز نمی‌گردد. بر حسب اینکه مرز میان درون گروه و برون گروه بر مبنای خویشاوندی، قبیله، قوم، نژاد، طبقه یا غیر آن تعریف شده باشد، با انواع گوناگونی از درون همسری روبه‌رو هستیم، ولی آنچه در این بحث حایز

اهمیت می‌باشد، قاعده درون همسری دینی و مذهبی است که افراد را از ازدواج با غیر همکیشان باز می‌دارد. همه ادیان کم و بیش محدودیت‌هایی در روابط میان پیروان خود و پیروان سایر ادیان ایجاد می‌کنند. این امر به ویژه در مورد ازدواج اهمیت بیشتری می‌یابد؛ چرا که ازدواج نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین پیوند را بین دو فرد به وجود می‌آورد و اگر چنین ارتباطی بین پیروان ادیان مختلف برقرار شود، احتمال اینکه اشخاص دین خود را ترک گیرند و به دین همسر خود درآیند، به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد.

بر این اساس، قرآن کریم ازدواج بین اهل اسلام و اهل شرک را ممنوع اعلام کرده است^(۱۶) و در مورد ازدواج مسلمان با اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) روایات متعددی وارد شده که بعضی آن را تجویز و بعضی دیگر منع کرده‌اند^(۱۷) و به همین دلیل، در فتاوی فقهای شیعه برخی اختلاف نظرها به چشم می‌خورند. با توجه به همین اختلاف‌ها، ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی نکاح مسلمة با غیر مسلم را ممنوع اعلام کرده، اما در مورد نکاح مسلم با غیر مسلمة سکوت کرده است؛ چرا که بسیاری از فقها در فرض اخیر، تفصیل داده‌اند. به هر تقدیر، قاعده درون همسری دینی از قواعد تثبیت شده در نظام اجتماعی ایران می‌باشد و تخلف از آن، اگر هم صورت بگیرد، بسیار نادر است.

اما در مورد درون همسری مذهبی، با توجه به جواز شرعی ازدواج شیعیان با اهل تسنن و عدم منع قانونی آن، به نظر می‌رسد چنین قاعده‌ای تحقق خارجی نداشته باشد، بجز در مورد ازدواج با افراد ناصبی که دشمنی با اهل بیت پیامبر ﷺ و شیعیان آنان را در دستور کار خود قرار داده‌اند و بر حسب روایات منقول از امامان معصوم ﷺ حکم کافران مشرک برای آن‌ها ثابت شده است. از این رو، ممنوعیت ازدواج با ناصبی‌ها از باب ممنوعیت برون همسری دینی توجیه می‌شود. اما در غیر این مورد، ازدواج شیعه با مسلمانان غیر شیعه ممنوعیت شرعی و قانونی ندارد، گرچه پیشینه تاریخی پیش‌داوری‌ها و ستیزه‌های فرقه‌ای و مذهبی از یک سو، و برخی تعارض‌های واقعی، که موجب کاهش احتمال سازگاری زوجین در ازدواج‌های بین مذهبی است، از سوی دیگر، مانع رواج این الگوی ازدواج در ایران گردیده است.

۷. تک همسری

الگوی تک همسری الگوی غالب ازدواج در ایران، چه در دوران‌های گذشته و چه در دوران معاصر بوده است؛ همان‌گونه که در دیگر جوامع چنین است. اما وجود برخی ضرورت‌های فردی یا اجتماعی همواره بخشی از مردان را به سوی چند همسری سوق داده و اسلام نیز چندهمسری (در قالب چند زنی نه چند شوهری) را به شرط رعایت عدالت بین همسران و حداکثر تا چهار زن تجویز نموده است.^(۱۸)

با توجه به اینکه علمای شیعه مانند علمای مذاهب دیگر اسلامی چندهمسری را جایز می‌دانند و اختلافی در این مسئله وجود ندارد، در گذشته چند همسری بین شیعیان ایران همانند مسلمانان دیگر کشورها تا حدی رواج داشته است. در سال ۱۳۵۳ در جهت محدودسازی چندهمسری، قانونی به تصویب رسید که ازدواج دوم مرد همسر دار را بجز در چند مورد ممنوع اعلام کرد. این موارد عبارت بودند از: رضایت همسر اول، ناتوانی همسر اول از ایفاء وظایف زناشویی، عدم تمکین زن از شوهر، ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج، محکومیت زن، ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر، ترک زندگی خانوادگی از طرف زن، عقیم بودن زن و غایب یا مفقودالاثرا شدن زن.

با وجود این، در حال حاضر، دادگاه‌های مدنی خاص این قانون را به طور کامل اجرا نمی‌کنند؛ چرا که بیشتر محدودیت‌های مقرر شده با ضوابط شرعی ناسازگارند، هرچند لزوم کسب اجازه از دادگاه و اجرای عدالت بین همسران را رعایت می‌کنند. در ضمن، شورای نگهبان نیز ضمانت اجرای کیفری این قانون یعنی حبس شش ماه تا یک سال برای متخلفان را مخالف شرع اعلام کرده است.^(۱۹)

به هر تقدیر، چندهمسری در دهه‌های اخیر به دلیل گسترش اندیشه‌های مساوات‌جویانه، جایگاه پیشین خود را از دست داده و فراوانی آن به طور محسوسی کاهش یافته است، به طوری که برخی جامعه‌شناسان محو کامل این الگو را در سال‌های آینده پیش‌بینی می‌کنند. نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که بیش از ۹۰ درصد ایرانیان با چندزنی مخالف بوده‌اند که این مخالفت به تفکیک جنسیت در مورد زنان ۹۲

درصد و در مورد مردان ۸۹ درصد بوده است.^(۲۰) البته اظهار نظر در مورد رفتار واقعی افراد به بررسی‌های جداگانه‌ای نیاز دارد، ولی با توجه به اینکه کنش تابع نگرش است، مخالفت ذهنی بیشتر افراد با یک رفتار، اغلب مستلزم ترک آن است.

۸ مهریه

یکی از آداب و رسوم شناخته شده ازدواج در بسیاری از فرهنگ‌های جهان، رسم پرداختن مهریه به زن یا خانواده او توسط داماد است. این رسم گذشته از فرهنگ‌هایی همچون فرهنگ‌های آفریقایی، چینی و ژاپنی در فرهنگ اسلام و مسلمانان پذیرفته شده است و در حال حاضر نیز کاملاً متداول است. بر حسب پژوهشی که در سال‌های اخیر انجام شده، قریب ۸۰ درصد ایرانیان به این سؤال که «آیا با رسم مهریه موافقت می‌کنید؟» پاسخ مثبت داده‌اند.^(۲۱)

بر خلاف این برداشت جامعه‌شناختی، که کارکرد مهریه را تضمین آینده زن پس از طلاق یا مرگ شوهر تلقی می‌کند، به نظر می‌رسد در دیدگاه اسلام، این کارکرد مورد تأکید چندان نبوده و تشویق به کاهش میزان مهریه و بخشیدن مهریه به شوهر از شواهد این مدعا هستند.

به هر تقدیر، گرایشی که امروزه در بخشی از اقشار مذهبی ایران به تعیین «مهر السنه» در ازدواج‌ها دیده می‌شود، از نمونه‌های تأثیرگذاری آموزه‌های شیعی بر همسرگزینی است؛ زیرا گرایش مزبور معمولاً با ارجاع به نمونه آرمانی آن، یعنی مهریه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تفسیر و توجیه می‌شود. با این همه، نمی‌توان انکار کرد که رویکرد اکثریت خانواده‌های ایرانی به مهریه با رویکرد یاد شده مغایرت دارد و بسیاری از افراد خانواده‌هایی که به مهریه همچون ابزاری می‌نگرند که در وقت لزوم می‌تواند به عنوان اهرم فشار علیه شوهر خاطی مورد استفاده قرار گیرد و پس از جدایی زن و شوهر نیز در جهت تأمین مالی زن عمل خواهد کرد. به نظر می‌رسد عامل اصلی رواج چنین نگرشی را باید در کاهش ضریب امنیت روانی و اجتماعی زنان در جامعه ایران جست‌وجو کرد.

از نکات دیگری که در مورد موضوع مهریه درخور توجه است، پیوندی است که در بسیاری از ازدواج‌ها میان این موضوع و برخی کنش‌ها یا نمادهای مذهبی شیعه برقرار می‌شود. برای مثال، اماکن مقدّس مذهبی مانند کربلا، مشهد و شام جایگاه ویژه‌ای در نظام ارزشی شیعیان دارند و زیارت این اماکن از رفتارهای مذهبی بسیار ارزشمند به شمار می‌آید. از این‌رو، تعدادی از دختران ایرانی در ضمن مهریه خود، سفرهای زیارتی را از داماد درخواست می‌کنند. همچنین برخی اعداد در بینش شیعیان از جنبه‌های نمادین برخوردار شده‌اند؛ مانند اعداد ۵، ۱۲، ۱۴ و ۱۱۰ که به ترتیب، به پنج تن آل عبا (پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام)، دوازده امام شیعیان علیهم‌السلام، چهارده معصوم (پیامبر اکرم، فاطمه زهرا و دوازده امام علیهم‌السلام) و حضرت علی علیه‌السلام (به لحاظ اینکه رقم ابجدی اسم مبارک «علی» ۱۱۰ می‌باشد) اشاره دارند. بر این اساس، بسیاری از خانواده‌ها مهریه دختران خود را با این اعداد ویژه تحدید می‌نمایند و برای مثال، ۱۴ یا ۱۱۰ سکه طلا (در این زمان، سکه بهار آزادی) از داماد درخواست می‌کنند.

۹. مراسم عقد و عروسی

اهمیت و جایگاه ازدواج در فرهنگ‌های گوناگون در آداب و رسوم تجلّی می‌یابد که با مراسم ویژه عقد و عروسی همراهند. بخشی از آداب و رسوم ازدواج در میان ایرانیان از ریشه‌های ملی، قومی یا خانوادگی و مانند آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، اما در بین آداب و رسوم به مواردی برمی‌خوریم که خاستگاه دینی دارند. برای نمونه، خطبه عقد و سنت دینی اطعام (ولیمه) از آداب متداول ازدواج در ایران است. در میان همین آداب و رسوم اسلامی ازدواج، مواردی نیز وجود دارند که به طور خاص، بینش شیعی در شکل‌گیری و تداوم آن‌ها نقش داشته است.

شیعیان ایران در ایام عزاداری مذهبی، که یادآور حزن و اندوه خاندان گرامی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، از برگزاری مراسم جشن خودداری می‌کنند و برعکس، بیشترین جشن‌های عقد و عروسی در اعیاد مذهبی و ایام ولادت معصومان علیهم‌السلام صورت می‌گیرد.

عده‌ای از مردم ترجیح می‌دهند عقد ازدواج را در اماکن مقدّس مذهبی، به ویژه حرم‌های امامان یا امام‌زادگان، انجام دهند و بسیاری از افراد نیز در دورهٔ موسوم به «ماه عسل» مسافرت به این اماکن را برمی‌گزینند. همچنین گروهی از خانواده‌های مذهبی برای تبرّک جستن در امر ازدواج، برای خواندن خطبه و اجرای صیغهٔ عقد، به عالمان دینی شیعه، به ویژه علمای سادات، مراجعه می‌کنند یا از آنان برای این کار دعوت به عمل می‌آورند.

در میان آداب و رسوم ازدواج، برنامه‌های شادی‌آفرین مانند آوازخوانی، رقص و موسیقی همواره برای بسیاری از خانواده‌های متدین مسئله‌ساز بوده‌اند. بر خلاف دیدگاه متداول در میان علمای اهل سنت مبنی بر جواز آوازخوانی و استفاده از آلات موسیقی در اعیاد و جشن‌های عروسی، در بین علمای شیعه این مسئله به دلیل ابهام یا تعارض روایات وارد شده، از وضوح کافی برخوردار نبوده و از این‌رو، برخی حکم به ممنوعیت این امور داده و برخی به جواز مشروط آن قایل شده‌اند. در نتیجه، عموم مردم نیز شیوه‌های ناهم‌بندی در قبال این امور در پیش گرفته‌اند؛ جمعی از متدینان به طور مطلق از این امور اجتناب می‌ورزند و حداکثر به قرائت اشعاری در مدح پیامبر و آل او (علیهم‌السلام) و به اصطلاح، «مولودی‌خوانی» بسنده می‌کنند؛ عده‌ای دیگر با رعایت بعضی حدود و تحفّظات شرعی، مراسم را به صورت شادتر برگزار می‌کنند و در برابر این دو گروه، گروه سوم قرار دارند که انواع وسایل و شیوه‌های شادی‌آفرین را بدون محدودیت به کار می‌گیرند. روشن است که تحت چنین شرایطی، گاه تنش‌ها و کشمکش‌هایی بین خانواده‌ها و خویشان‌ان عروس و داماد بروز می‌نمایند.

نکتهٔ دیگر در این رابطه، هزینه‌های سنگین این مراسم است. اصولاً از نظر دینی و مذهبی، نگاه مثبتی به مراسم پرهزینه و باشکوه وجود ندارد و الگوی مذهبی مورد احترام شیعیان، به ویژه الگوی ازدواج حضرت علی و فاطمه (علیهم‌السلام)، این نگرش ساده‌گرایانه را به طور واضح منعکس می‌نماید. بر حسب برخی تحقیقات، در سال‌های اخیر، گرایش به ساده برگزار کردن مراسم ازدواج در بیشتر ایرانیان مشاهده می‌شود و

بین ۵۷ تا ۷۷ درصد مردم با مراسم باشکوه و پرهزینه مخالفتند.^(۲۲) با این همه، در کنار تأثیر ارزش‌های مذهبی در این گرایش، نباید احتمال دخالت عوامل دیگری مانند فشارهای اقتصادی و ضعف نسبی پیوندهای خویشاوندی را از نظر دور داشت. فشارهای اقتصادی باعث می‌شوند افراد و خانواده‌ها تا حد امکان در جهت کاهش هزینه‌های اضافی تلاش کنند و نفوذ خویشاوندان که پیش از این می‌توانست برخی هزینه‌ها و تشریفات زاید را ایجاب کند، امروزه در سطحی نیست که این امور را بر زوج‌های جوان، که آزادی و استقلال بیشتری را تجربه می‌کنند، تحمیل نماید.

۱۰. ازدواج موقت

یکی از ویژگی‌های مذهب تشیع، که آن را از دیگر مذاهب و فرق اسلامی متمایز می‌کند، اعتقاد به جواز ازدواج موقت یا عقد متعه است. ویژگی این نوع ازدواج در مقابل ازدواج دائم، مدت دار بودن آن است؛ یعنی زمان مشخصی در قرارداد ازدواج تعیین می‌شود و با پایان یافتن آن زمان، ازدواج به خودی خود و بدون نیاز به طلاق خاتمه می‌یابد.

به نظر می‌رسد برخی ضرورت‌ها مانند عدم امکان تشکیل خانواده، نازایی زن، دوری مرد از خانه، بعضی بیماری‌ها و اموری از این دست، در تشریع این نوع ازدواج در اسلام مؤثر بوده‌اند. در واقع، کارکرد مطلوب ازدواج موقت، ارضای نیازهای جنسی و بعضاً تولید مثل در موارد ضروری بوده؛ یعنی مواردی که خانواده‌ای برای تأمین این کارکردها در دست نیست یا اگر هست، توان ایفای این کارکرد را ندارد. ولی این الگوی ازدواج از همان آغاز، یعنی از زمان حیات پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با چالش‌هایی روبه‌رو شد و در زمان خلیفه دوم ممنوع گردید. ممنوعیت مزبور علی‌رغم آنکه برخی از بزرگان اهل سنت به جواز آن قایل بودند، سرانجام در بین عامه مسلمانان تثبیت شد و رسمیت یافت و تنها شیعیان اهل بیت پیامبر علیهم السلام به استناد احکامی که از آن بزرگواران دریافت کرده بودند، اعتقاد خود به جواز ازدواج موقت را تداوم بخشیدند. در عین حال، به سبب انزوای اجتماعی شیعیان در سده‌های آغازین اسلام، ازدواج موقت هرگز جایگاه واقعی

خود را به دست نیاورد و حتی در محیط‌های شیعی به عنوان عملی نابهنجار یا دست کم نامتعارف باقی ماند.

امروزه ازدواج موقت در قوانین ایران پذیرفته شده است و بر خلاف برخی احکام دینی، که ممکن است با اوضاع و شرایط کنونی ناسازگار به نظر آیند، این ازدواج در نگاه بسیاری از کارشناسان امور اجتماعی الگویی مترقی و متناسب با اقتضائات این زمان را به نمایش می‌گذارد. در حالی که در فرهنگ‌های غربی و شبه غربی الگوهای متنوعی مانند ازدواج آزاد، ازدواج آزمایشی و همخانگی (زندگی مشترک زن و مرد بدون ازدواج) جایگزین ازدواج سنتی شده یا در حال رقابت با آن هستند، ازدواج موقت به دلیل برخی ویژگی‌های منحصر به فرد، قابلیت آن را دارد که در سطح ملی و بلکه در سطح جهانی به عنوان الگویی کارآمد مطرح شود.

از ویژگی‌های مهم این الگو، کاهش تعهدات متقابل زوجین به حداقل و در عین حال، حفظ برخی مسئولیت‌ها برای جلوگیری از تبدیل رابطه جنسی به بی‌بند و باری جنسی است. در نتیجه، شاهد الگویی ضابطه‌مند و مشروع برای ارضای نیاز جنسی در خارج از چارچوب خانواده هستیم و با توجه به اینکه یک رکن مالی یعنی مهریه نیز در این نوع ازدواج لحاظ شده، در صورت اِعمال صحیح این الگو، می‌توان کاهش چشمگیر پدیدهٔ روسپیگری را نیز انتظار داشت. این سخن منقول از مولای متقیان حضرت علی علیه السلام به همین نکته اشاره دارد که می‌فرماید: «اگر خلیفهٔ دوم مبادرت به منع ازدواج موقت نکرده بود، هیچ کس جز افراد نگون بخت، مرتکب عمل زنا نمی‌شدند.»^(۲۳)

به دلیل همین ویژگی‌ها، در ایران و برخی مناطق شیعه‌نشین مانند لبنان، اصل این الگو تقریباً از سوی تمامی صاحب‌نظران دینی و اجتماعی معاصر تأیید شده است و اگر اختلافی وجود دارد به چگونگی اِعمال آن بازمی‌گردد. نگرانی از سست شدن بنیاد خانواده‌ها، سوء استفادهٔ مردان متأهل، تضییع حقوق زنان و اموری از این قبیل، باعث دشواری تصمیم‌گیری جمعی دربارهٔ این موضوع شده‌اند، ولی در مجموع، زمینه برای دست‌یابی به یک راهبرد کلی در این رابطه فراهم می‌باشد و بر خلاف دیگر کشورهای

اسلامی، که به سبب حاکمیت فقه سنتی، هنوز به راه حلی برای مشکل عدم مشروعیت این الگو دست نیافته‌اند، کشور ایران از نظر امکان رفع بسیاری از مشکلات ناشی از گسترش روابط اجتماعی دو جنس، در وضعیت بسیار مناسب‌تری قرار دارد.

از دیدگاه‌های صاحب‌نظران که بگذریم، در بین خودکنشگران اجتماعی نیز گرایش به سمت این الگو کم و بیش مشاهده می‌شود و به رغم نگرانی‌های یاد شده و با وجود نگرش منفی بسیاری از افراد نسبت به آن، که به طور طبیعی باعث رواج مخفی‌کاری در این رابطه می‌شود، برخی آمارها حاکی از آن هستند که عده‌ای از افراد حتی اقدام به ثبت ازدواج موقت خود در دفاتر رسمی ازدواج می‌کنند. برای نمونه، طبق گزارش سازمان ثبت و اسناد و املاک در سه ماهه نخست سال ۱۳۸۲، تعداد ۱۱۹ ازدواج موقت در دفاتر رسمی ازدواج ثبت گردیده است. (۲۴)

با توجه به فضای موجود جامعه و نگرش‌های منفی یاد شده، انجام پژوهش‌های میدانی دقیق در این خصوص تا حدی ناممکن به نظر می‌رسد و به این دلیل، نمی‌توان آمار واقعی ازدواج موقت را به دست آورد، ولی این مطلب مسلم است که عده‌ای از افراد به طور آشکار یا پنهان، این الگو را به کار می‌بندند و گروه دیگری که با توجه به قرائن موجود تعدادشان بیش از گروه نخست است، به دلیل ناآشنایی با الگوی مزبور و کارکردهای مثبت آن به سمت روابط نامشروع جنسی کشیده می‌شوند که در صورت توجه و اهتمام مسئولان امور و اتخاذ تدابیر لازم، از جمله گسترش برنامه‌های آموزشی، می‌توان روابط نامشروع و کج‌روانه بسیاری از این افراد را با کمترین هزینه به روابط مشروع مبدل کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Secularization.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه (۲۰ جلدی)، ج ۱۴، ص ۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰.

۴. ر.ک: شیخ حر عاملی، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۹.

۵. ر.ک: همان، ج ۱۵، ص ۲۰۰.
۶. همان، ج ۱۴، ص ۲۲۰.
۷. ر.ک: همان، ج ۱۴، ص ۲۱۴.
۸. ر.ک: همان، ج ۱۴، ص ۲۰۷ - ۲۱۹.
۹. ر.ک: الشوکانی، نیل الأوطار، ج ۶، ص ۲۵۱.
۱۰. ر.ک: منوچهر محسنی، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، ص ۹۰.
۱۱. ر.ک: شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۱۴، ص ۴۴.
۱۲. ر.ک: نور: ۳ / شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۱۴، ص ۵۱ - ۵۳.
۱۳. ر.ک: شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۱۴، ص ۴۴ - ۵۰.
۱۴. نساء: ۲۳.

15. endogamy.

۱۶. بقره: ۲۲۱.
۱۷. ر.ک: شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۱۴، ص ۴۱۰ - ۴۲۰.
۱۸. در مورد فلسفه چند همسری ر.ک: شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام.
۱۹. ر.ک: ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی: خانواده، ج ۱، ص ۱۱۸.
۲۰. ر.ک: منوچهر محسنی، پیشین، ص ۹۴.
۲۱. ر.ک: همان، ص ۹۵.
۲۲. ر.ک: همان، ص ۸۳.
۲۳. شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۱۴، ص ۴۴۰.
۲۴. به نقل از پایگاه اینترنتی: